

اخلاق اجتماعى



آية الله سيد رضا حسينى نسب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهمیت اخلاق

ارزش اخلاق از دیدگاه شریعت در حدی است که پیامبر گرامی اسلام (ص) ، هدف اعلای بعثت خود را به ثمر رساندن این بُعد گرانمایه انسانی معرفی می کند و چنین می فرماید :

"بعثت لاتمم مکارم الأخلاق".

"به خاطر اتمام و اكمال اخلاق ، مبعوث به رسالت شدم".

قرآن مجید هم به منظور نشان دادن اهمیت این مقوله ، پس از سوگندهای متعدّد ، در باره سعادت یا شقاوت انسان ، چنین می فرماید :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و ا لشمس و ضحیها

و القمر اذا تلیها

و النهار اذا جلیها

و الیل اذا یغشیها

و السماء و ما بنیها
والارض و ما طیها
و نفس و ما سویها
فا لهمها فجورها و تقویها
قد افلح من زکیها
و قد خاب من دسیها

"قسم به خورشید و تابش آن .

قسم به ماه ، آنگاه که بدنبال آفتاب بدرخشد.

سوگند به روز ، آنگاه که همه جا را روشن سازد.

قسم به شب ، آنگاه که فرو پوشاند.

سوگند به آسمان و آنکه آن را بر افراشت.

قسم به زمین و آنکه آن را گسترانید.

سوگند به جان انسان و آنکه او را نیکو آفرید.

پس بدی ها و خوبی های او را به وی الهام فرمود.

هرکه در پاکسازی جان کوشید ، رستگار گردید.

و هرکه در آلودگی ها آن را فروپوشاند ، نومید گردید."

روشن است که سوگندهای متوالی در این سوره شریفه ، به خاطر بیان ارزش و اهمیت تهذیب اخلاق است که به دنبال آن ها بیان گردیده است.

بر این اساس و به خاطر تشویق مردم به تهذیب اخلاق ، حضرت رسول خدا (ص) می فرمایند :

"ثلاث من كنّ فيه دخل الجنّة من أيّ باب شاء : من حسن خلقه و خاف الله في المغيب و المحضر و ترك المرء و لو كان محقاً".

یعنی : "سه گروه هستند که از هر دری که بخواهند می توانند وارد بهشت شوند : دسته اول : آنان که اخلاق زیبا داشته باشند، گروه دوم : آنانکه در همه حال به یاد خدا باشد ، هم در نزد مردم و هم جایی که مردم او را نمی بینند ، دسته سوم : آنانکه مجادله با دیگران را ترک کنند ، گرچه حق را به جانب خودشان بدانند".

تهذیب اخلاق ، به معنای اصلاح چهار نوع رابطه به شرح ذیل است :

- رابطه انسان با خدا.

- رابطه انسان با طبیعت.

- رابطه انسان با جامعه.

در این نوشتار ، می کوشیم تا به یاری خدای بزرگ ، پیرامون نوع سوم ، یعنی اصلاح رابطه انسان با جامعه ، به بحث و بررسی

بپردازیم و دیدگاه های نورانی اسلام را در این زمینه از نظر گرامی شما بگذرانیم.

ارزش اخلاق اجتماعی

گرانسنگی اخلاق اجتماعی بدین جهت است که علاوه بر بُعد معنوی آن که موجب خودسازی انسان و کسب ثواب اخروی است ، در رشد و توسعه جامعه در ابعاد سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی هم نقش بارزی دارد.

در اینجا برای توضیح این مطلب ، فشرده ای از اصول توسعه جامع را که به اخلاق اجتماعی مربوط می شود ، به خوانندگان ارجمند ، تقدیم می نمایم :

مفهوم توسعه در اصطلاح جوامع امروز ، به معنای یک ایدئولوژی است که بر تحول و دگرگونی ارگانیک دلالت می کند و در عین حال، ناظر بر ارزشهای حاکم بر جامعه است.

توسعه در شکل جامع آن ، شامل ابعاد زیر می گردد:

- توسعه سیاسی .
- توسعه اقتصادی .
- توسعه اجتماعی .
- توسعه فرهنگی .

نقش اخلاق اجتماعی در توسعه سیاسی

توسعه سیاسی فرایندی است که مستلزم تحقق مشارکت عمومی ، مردمسالاری ، استقرار نظام ، نوگرایی ، اصلاحات اداری و بسیج نیروها و امکانات می باشد.

بر این اساس ، دانشمندان برای توسعه سیاسی ، ارکان اصلی خاصی را تبیین کرده اند که برای رعایت اختصار ، آنها را که به مسأله اخلاق اجتماعی ارتباط دارد ، بیان می کنیم :

1 - مردمسالاری ، که لازمه آن تحمل آراء عموم مردم و احترام به افکار عمومی است.

2 - تحقق آزادی و حقوق اساسی مردم ، که لازمه آن مراعات حقوق آنان و عدم ایداء و آزار آنان است.

3 - حکومت قانون ، که لازمه آن مراعات نظم و انضباط و عدم تعدی به حقوق دیگران است.

4 - افزایش کارایی نظام اداری و رفع نواقص دیوانسالاری در جهت خدمت رسانی بهتر به مردم ، که لازمه آن تسهیل ارائه خدمات به مردم است.

5 - توانایی نظام در جذب مشارکت مردم در عرصه های محلی و ملی ، که لازمه آن کسب تعاون و همکاری از جانب مردم است.

- 6 - هماهنگی عملکرد نظام با سیاستهای اعلام شده آن ، که لازمه آن صداقت و درستکاری دولتمردان است.
- 7 - تقویت وحدت ملی ، که لازمه آن همزیستی مسالمت آمیز و مراعات عدالت اجتماعی است.
- 8- پاسخگو بودن نظام ، که لازمه آن عمل کردن به وعده ها است.
- 9- پیاده کردن سیاست گفتگو ، تفاهم ، احترام متقابل و تنش زدایی در همه عرصه های کشوری ، منطقه ای و بین المللی.
- 10- استقبال از نوگرایی و کثرت گرایی سیاسی ، که لازمه آن تشویق دیگران و تسامح سیاسی است.
- 11- اتخاذ سیاست مدارا و شکیبایی در تعامل با دیگران.

یکی از مهمترین دستور العمل های لازم الاجرا در نظام های مردمسالار ، رعایت اصل آزادی و حقوق شهروندان است.

مهمترین حقوق و آزادیهای اساسی که حکومت باید در چهارچوب قانون محترم شمارد و با تمام امکانات خود از آنها حراست نماید ، به شرح زیر می باشد:

- حق حیات و سلامتی.
- آزادی اندیشه و عقیده.
- آزادی بیان و مطبوعات.
- آزادی همایشها و اجتماعات مسالمت آمیز.

- آزادی تشکیل احزاب ، انجمن ها ، جمعیت ها و اتحادیه ها .
- آزادی انجام امور دینی و فرهنگی به صورت مسالمت آمیز.
- آزادی انتخاب شغل.
- آزادی در شیوه زندگی شخصی ، تا جایی که موجب سلب حقوق دیگران و بر خلاف نظم و قانون نباشد.
- مصونیت منازل شخصی مردم و عدم جواز ورود مأموران به خانه ها، مگر به حکم قانون.
- مصونیت نامه های خصوصی و اسرار تلفنی و امثال آن و عدم کنترل آنها ، مگر در چهار چوب قانون
- عدم تبعیض در نژاد ، مذهب ، زبان و بینش سیاسی در برخورداری از حقوق و آزادیهای قانونی
- رعایت عدالت در خصوص زنان و مراعات حقوق و کرامت آنان بر اساس قانون
- تساوی افراد و اقشار مردم در برابر قانون
- در نظر گرفتن اصل برائت در تعامل با مردم ، مگر اینکه خلاف آن توسط مراجع قانونی به صورت قطعی به اثبات برسد.
- ممنوعیت خشونت ، شکنجه و توسل به اسلحه برای اهداف عقیدتی ، گروهی، قومی و غیر آن.

- ممنوعیت توهین و افتراء بر علیه اشخاص ، سازمانها ، گروه های نژادی و پیروان مذاهب.

- مصونیت مال ، جان ، ناموس و آبروی مردم در پناه قانون.

ملاحظه می فرمایید که اغلب موارد مذکور ، با قواعد اخلاق اجتماعی ، ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم دارد.

نقش اخلاق اجتماعی در توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی عبارت است از : "فرایند رشد اقتصادی و ارتقاء فنی و سازمانی در عرصه تولید و تخصیص منابع مادی و انسانی ؛ همراه با عدالت توزیعی و کاهش نابرابری".

در اینجا به منظور رعایت اختصار، اصول اساسی را که در تدوین و اجرای طرح توسعه اقتصادی نقش دارند و در عین حال با اخلاق اجتماعی رابطه مستقیم یا غیر مستقیم دارند ؛ یادآور می شویم:

- زدودن تبعیض میان اقوام کشور و تلاش در جهت تقسیم عادلانه ثروت میان اقوام و اقشار جامعه.

- توجه به شاخصهای توسعه انسانی (HDI) شامل طول عمر ، امید به زندگی، میزان دانش و درآمد پایه ؛ به عنوان معیار توسعه

- اقتصادی پایدار ؛ در کنار توجه به تولید ناخالص ملی (GNP) به عنوان معیار رشد اقتصادی.
- اهتمام به سیاستهای تعاونی در جهت ایجاد ساختارهای عادلانه اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی .
 - تنظیم نظام مالیاتی بر مبنای محاسبه دقیق "رانت" ، به نحوی که انگیزه اشتغال ، به قوت خود باقی بماند.
 - برنامه ریزی در جهت صرفه جویی در مصرف و انضباط مالی و جلوگیری از اسراف ، بویژه در حوزه مصارف ارزی.
 - کاربر کردن ساختار تولید ، به منظور رشد اشتغال و نهایتاً ، افزایش دستمزد واقعی نیروی کار.
 - مبارزه با فساد اقتصادی ، قاچاق ، رانت خواری و بازار سیاه.
 - تقویت بخش خصوصی و زمینه سازی برای مشارکت بیشتر مردم در امور اقتصادی.
 - حمایت ویژه و قدردانی از مبتکران و اندیشمندان کشور در عرصه های صنعت ، تحقیقات و فناوری ؛ و پیشگیری از فرار مغزها.

نقش اخلاق اجتماعی در توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی عبارت است از: "فرایند رشد جامعه در جهت رسیدگی به نیازمندان ، افزایش امنیت اجتماعی ، جبران خسارتها،

پیشگیری از آسیبها ، محافظت از مردم در برابر حوادث و تضمین برخورداری همگان از مواهب اولیه زندگی".

در سایه توسعه اجتماعی ، سلامت جسمی و روحی برای مردم فراهم می شود و شادابی و امید به آینده در سطح جامعه افزایش می یابد.

در اینجا هم ، تنها اصولی از توسعه اجتماعی را که نقش اخلاق اجتماعی را تبیین می نماید ، یاد آور می شویم :

- برنامه ریزی برای رشد عموم مردم.
- افزایش امنیت اجتماعی در همه ابعاد.
- حفظ طراوت و شادابی جامعه و کاهش میزان اضطراب و افسردگی.
- تقویت روح برادری ، برابری ، گذشت ، همیاری ، شکیبایی ، درستکاری ، آزادگی و مراعات حقوق دیگران.
- تضمین مایحتاج رفاهی ضروری برای همگان.
- برنامه ریزی جهت پیشگیری از آسیبهای اجتماعی مانند بزهکاری، اعتیاد ، تصادفات و سوانح ، آلودگی محیط زیست ، فقر (بویژه کودکان خیابانی)، خودکشی ، فحشا ، بیماریهای روانی و مرگ و میر زودرس.
- حاکم ساختن اصل کار و تلاش در جامعه و زدودن روحیه تن آسایی و راحت طلبی.

- تناسب میزان سرانه سلامتی با نیازهای واقعی مردم.
- تدوین و اجرای نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی .
- هدفمند کردن یارانه ها .
- قرار دادن بنیان جامعه بر اساس نظم و انضباط اجتماعی.

نقش اخلاق اجتماعی در توسعه فرهنگی

توسعه فرهنگی عبارت است از: "فرایند بهینه سازی امکانات و شرایط مادی و معنوی جامعه در جهت شناخت هویت خویش ، ارتقاء سطح دانش ، شکوفا سازی استعدادها ، رشد اخلاق و ارزشهای الهی، بهبود روابط انسانی ، گسترش فرهنگ قانون پذیری ، مراعات احترام دیگران ، آزادمنشی ، بردباری ، خود اتکایی و نظم در امور".

بزرگترین ثروت یک کشور، منابع انسانی آن است. در صورت شکوفایی و بالندگی این گنج بی پایان ، مکتبی جاودانه و عاملی فعال پدید می آید که سرمایه را رشد می دهد ، از منابع طبیعی استفاده پایدار و مناسب بعمل می آورد ، سازمانهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی را سامان می بخشد و موجب توسعه ملی در همه ابعاد آن می شود. با این بیان ، اهمیت توسعه فرهنگی که رسالت پرورش نیروی انسانی را بر دوش دارد ، روشن می گردد.

شاخص های توسعه فرهنگی

به منظور سنجش توسعه فرهنگی یک جامعه ، معیارهای ویژه ای وجود دارد که مهمترین آنها بدین شرح است:

- میزان قانون پذیری در جامعه.
- میزان التزام افراد جامعه به نظم.
- میزان پایبندی افراد به ارزشهای ملی ، فرهنگی ، اخلاقی و معنوی.
- میزان ایمان مردم به وجدان کاری و ضرورت تحرک و تلاش.
- میزان خلاقیت فرهنگی.
- میزان توانایی در امر شکوفا سازی استعدادها.
- میزان علاقه مندی مردم به میراث علمی و فرهنگی و اهتمام ورزیدن به دانشها و دانشمندان.

ملاحظه می فرمایید که اصول اخلاق اجتماعی مانند مراعات نظم ، احترام به قانون ، ضرورت احترام متقابل در تعامل با دیگران ، احراز وجدان کاری ، مدارا و شکیبایی ، نوع دوستی ، تحمل آراء و عقاید دیگران ، اهتمام به دانشمندان ، پایبندی به ارزش ها و امثال آن ، در توسعه فرهنگی ، نقشی بارز دارد.

بر این اساس ، امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر ، هنگامی که او را به عنوان حاکم مصر منصوب فرمود ، چنین می نگارد :

أَمْرُهُ يَتَقَوَى اللَّهَ، وَيَأْتِي طَاعَتِهِ، وَاتِّبَاعَ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ: مِنْ فَرَائِضِهِ وَسُنَنِهِ، الَّتِي لَا يَسْعُدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا، وَلَا يَشْقَى إِلَّا مَعَ حُجُودِهَا وَإِصَاعَتِهَا، وَأَنْ يَنْصُرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِيَدِهِ وَقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ، فَإِنَّهُ، جَلَّ اسْمُهُ، قَدْ تَكَلَّفَ يَنْصُرُ مَنْ نَصَرَهُ، وَإِعْزَازَ مَنْ أَعَزَّهُ. وَأَمْرَهُ أَنْ يَكْسِرَ نَفْسَهُ عِنْدَ الشَّهَوَاتِ، وَيَزَعَهَا عِنْدَ الْجَمَحَاتِ فَإِنَّ النَّفْسَ أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ، إِلَّا مَا رَحِمَ اللَّهُ.

"او را به پارسایی فرمان می دهد، و اینکه اطاعت خدا را برگزیند ، و آنچه در کتاب خدا آمده، از واجبات و سنت ها را پیروی کند، امری که جز با پیروی آن سعادت مند نخواهد شد، و جز با انکار و تزییع آن تبهکار نخواهد گردید. به او فرمان می دهد که خدا را با دل و دست و زبان یاری کند، زیرا خداوند پیروزی کسی را بر عهده می گیرد که او را یاری دهد، و کسی را عزیز می گرداند که او را بزرگ شمارد. و به او فرمان می دهد تا نفس خود را در مواجهه با هوا و هوس در هم بشکند، و به هنگام سرکشی رامش کند. زیرا : «همانا نفس ، همیشه به بدی فرمان می دهد ، مگر اینکه خداوند ترحم فرماید".

دلیل این توصیه مشفقانه آن است که ریاست و فرمانروایی ، در صورتی که در همه احوال با یاد تهذیب اخلاق توأم نباشد ، منجر به تباهی حاکمان و فساد کشور می گردد. بنا بر این ، امام علی (ع) نه

تنها به مالک اشتر ، بلکه به همه حاکمان ، در آغاز سخن خود ، آنان را به رعایت پارسایی و احراز اخلاق پسندیده سفارش می فرماید. دلیل دیگر این است که : حاکم و فرمانروای جامعه ، نقش رهبری و هدایت ملت را بر عهده دارد. بالاترین نوع سلطه بر جامعه آن است که حاکم ، بر دل های مردم حکومت کند و مانند پدر معنوی آنان ، نقش تربیتی و مدیریتی را با هم ایفاء نماید.

روشن است که یک فرمانروا برای اینکه از این امتیاز بزرگ، بی بهره نباشد ، لازم است پیش از هر چیز به تربیت نفس و تهذیب اخلاق خویش همت گمارد.

بر این اساس ، امام علی (ع) در حدیثی دیگر می فرماید :

"مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ يَسِيرَتَهُ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ يَلِسَانِهِ، وَمُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَمُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْأَجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَمُؤَدِّبِهِمْ".

"کسی که خود را رهبر مردم قرار داد ، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد ، خود را آموزش دهد و بسازد ، و پیش از آن که به گفتار تربیت کند ، با کردار تعلیم دهد ، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوار تر به تعظیم است از آنکه دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد".

این سخنان ، توصیه همه حکیمان بزرگ جهان بوده و هست. به عنوان مثال ، کنفوسیوس ، حکیم معروف چین می گوید :

"برای آنان که می خواهند بر امپراطوری ها حکومت کنند 9 دستور العمل اصلی وجود دارد که باید با دقت رعایت کنند و به آنها توجه نمایند:

- 1- در ابتدا باید به پرورش کردار شخصی خود پردازند.
- 2- به مردان با ارزش احترام بگذارند.
- 3- نسبت به خویشاوندان خود انجام وظیفه کنند و ارادت و دوستی نسبت به آنان را تقویت نمایند.
- 4- احترام به مسئولان عالی قدر در هر نظامی و در هر تشکیلاتی که آن را پذیرفته اند را مراعات کنند.
- 5- تفاهم با مدیران تحت امر خود و زیردستان را رعایت نمایند.
- 6- خویشتن را چون پدری مهربان برای عامه مردم بدانند.
- 7- همه هنرهای مفید و ابداعات ارزشمند را مورد تشویق قرار دهند.
- 8- ابراز ملاحظت و مهربانی نسبت به بیگانگان را هم مورد توجه قرار دهند.
- 9- ابراز علاقه نسبت به فرمانروایان خوب برای تحصیل نفوذ کلام در سراسرجهان را نیز مراعات نمایند".

امیر مؤمنان (ع) در همان نامه یادشده به مالک اشتر ، چنین توصیه می فرماید :

وَلَا تَنْصِبَنَّ نَفْسَكَ لِحَرْبِ اللَّهِ فَإِنَّهُ لَا يَدِي لَكَ بِنِعْمَتِهِ وَلَا غِنَى بِكَ
 عَنْ عَفْوِهِ وَرَحْمَتِهِ. وَلَا تَنْدَمَنَّ عَلَى عَفْوٍ، وَلَا تَبْجَحَنَّ بِعُقُوبَةٍ،
 وَلَا تُسْرِعَنَّ إِلَى بَادِرَةٍ وَحَدَّتْ مِنْهَا مَنُوحَةٌ وَلَا تَقُولَنَّ: إِنِّي
 مُؤَمَّرٌ فَأَطَاعَ ، فَإِنَّ ذَلِكَ إِدْغَالٌ فِي الْقَلْبِ، وَمَنْهَكَةٌ لِلدِّينِ،
 وَتَقَرُّبٌ مِنَ الْغَيْبِ وَإِذَا أَحْدَثَ لَكَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ سُلْطَانِكَ أُمَّهَةً
 أَوْ مَخِيلَةً فَانظُرْ إِلَى عِظَمِ مُلْكِ اللَّهِ فَوْقَكَ ، وَقُدْرَتِهِ مِنْكَ عَلَى
 مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ نَفْسِكَ، فَإِنَّ ذَلِكَ يُطَامِنُ إِلَيْكَ مِنْ طِمَاحِكَ
 وَيَكْفُؤُ عَنكَ مِنْ عَرَبِكَ وَيَعْبِيءُ إِلَيْكَ يَمًا عَزَبَ عَنكَ مِنْ عَقْلِكَ!
 إِيَّاكَ وَمُسَامَاةَ اللَّهِ فِي عَظَمَتِهِ، وَالتَّشَبُّهَ بِهِ فِي جَبْرُوتِهِ، فَإِنَّ
 اللَّهَ يُذِلُّ كُلَّ جَبَّارٍ، وَيُهَيِّنُ كُلَّ مُخْتَالٍ".

"هرگز خود را در مقام ستیز با خدا قرار مده ، زیرا در برابر عذاب او
 توان مقاومت نداری ، و از بخشش و رحمت او بی‌نیاز نخواهی بود.
 هرگز نسبت به عفو و بخشش دیگران پشیمان مباش، و از کیفر
 کردن شادمان مشو ، و نسبت به حدت و کار تندی که می توانی از
 آن پرهیز کنی شتاب نداشته باش. به مردم نگو به من فرمان دادند و
 من نیز فرمان می‌دهم، پس باید اطاعت شوم، زیرا اینگونه خود بزرگ
 بینی دل را فاسد، و دین را پژمرده می سازد ، و موجب نزدیکی به غیر
 خدا می گردد. و اگر با مقام و قدرتی که داری، دچار غرور یا خود بزرگ بینی
 شدی به بزرگی حکومت پروردگار که برتر از تو است بنگر، که تو را از آن

سرکشی نجات می‌دهد، و تند روی تو را فرو می‌نشانند، و عقل و اندیشه‌ات را به جایگاه اصلی باز می‌گرداند. بپرهیز که خود را در بزرگی همطراز خداوند پنداری، و در شکوه و جبروت همانند او دانی، زیرا خداوند هر سرکشی را ذلیل می‌کند، و هر خود پسندی را خوار می‌گرداند".

این سخنان امام علی (ع)، خطرات سهمگینی که قدرتمندان و سران حکومت‌ها را تهدید می‌کند، تبیین می‌نماید. هر انسانی که ردای ریاست را بر تن کند، در معرض فرعون شدن قرار دارد، مگر اینکه همواره نفس خود را با یاد خدا و تهذیب نفس و یاد آوری سرنوشت گذشتگان، تحت نظارت و کنترل عقل و ایمان خود داشته باشد.

نکته مهم دیگری که در این سخنان گهربار وجود دارد، اشاره به دو اصل اساسی فرمانروایی است که در برخی از کشورهای پیشرفته معاصر، مورد توجه خاص سیاستمداران آگاه قرار دارد. آن دو اصل عبارتند از:

الف - سیاست "سماحت" ، یعنی : آسان گرفتن بر مردم ، که در مغرب زمین ، تحت عنوان (Tolerance) ، نامیده می شود. این روش ارزشمند ، برکات زیادی را برای کشور به ارمغان می آورد که مهمترین آنها عبارتند از : ایجاد جوّ مسالمت و آرامش در میان ملّت ، جلب اعتماد اقشار مختلف مردم در سطح کشور ، افزایش سرمایه گذاری مادی و معنوی و حاکمیت ثبات و امنیت اجتماعی و اقتصادی در جامعه.

پیامبر گرامی (ص) که مبّین مکتب مترقّی اسلام است ، در روایتی زیبا ، آئین اسلام را به عنوان "السمحة" و "السهلة" ، یعنی دارای صفت "گذشت و آسان گرفتن" معرفی می فرماید. (وسائل الشیعة، کتاب الطهارة ، أبواب الماء المضاف ، باب 8 ، حدیث 3).

بدین جهت ، امیر مؤمنان (ع) به مالک اشتر سفارش می فرماید تا عفو و گذشت را به جای سختگیری و انتقام برگزیند و هرگز به خاطر بخشیدن دیگران ، پشیمان نشود و از کیفر دادن آنان نیز خوشحال نگردد.

ب - خط مشی دیگری که امام علی (ع) آن را توصیه می فرماید ،
"اصل براءت" است . این منش ارزنده نیز ، هم در اسلام و هم در نزد
خردمندان جهان ، دارای جایگاه والایی است. بر اساس این اصل ،
مبنای حکومت باید این باشد که به براءت ذمه و بی گناهی افراد در
تعامل با آنان حکم کند ، مگر اینکه خلاف آن توسط مراجع قانونی به
صورت قطعی به اثبات برسد.

لازمه این امر ، پیشگیری از برخوردهای سلیقه ای و خود داری از
قضاوت عجلوانه در حق دیگران است. بدن جهت امام علی (ع) به
مالک اشتر می فرماید :

"نسبت به حدّ و کار تندی که می توانی از آن پرهیز کنی شتاب
نداشته باش".
